

The Relationship between the Attachment Style, Self-Conception, and Loneliness among High School Students

Habiballah Naderi^{1*}, Nargess Firozzadeh Pasha², Fatemeh Kargar³

1. Assistant Professor of the University of Mazandaran, Babolsar, Iran
2. M.A student of Educational Psychology and official teacher in Eastern Bandpey, Babol, Iran
3. Master of clinical of psychology

Abstract

Introduction: This research was aimed at surveying the relationship between attachment, self-concept and loneliness in the secondary school students of Eastern Bandpey, Babol, Iran.

Methods: The study was descriptive and correlation in which 278 students (139 girls and 139 boys) participated by filling out Hazan and Shaver Interest Style Questionnaire, Rogers Self-Concept Scale and UCLA Loneliness Scale. The data were analyzed using the statistical technique of regression.

Results: The results showed that there was a meaningful relationship between attachment and feeling style, but there was no relationship between attachment style and self-conception. There was also a significant inverse relationship between self-conception and loneliness.

Conclusion: Attachment style was a stronger predictor of loneliness than self-conception.

Keywords: Attachment style, self-conception, loneliness

رابطه بین سبک دلستگی، خودپنداره و احساس تنها

در میان دانش آموزان مقطع متوسطه دوم

حبيب الله نادری^{۱*}، فاطمه کارگر^۲

۱- عضو هیات علمی گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول: h.naderi@umz.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دبیر آموزش و پژوهش منطقه بندی شرقی، بابل، ایران.

۳- کارشناسی ارشد بالینی

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک دلستگی، خودپنداره و احساس تنها در دانش آموزان متوسطه دوم بخشنده بندپی شرقی شهرستان بابل بود. به هر حال پژوهش های انجام گرفته مربوط به احساس تنها در سال های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می دهد.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و نمونه مورد بررسی ۲۷۸ دانش آموز (۱۳۹۱ دختر و ۱۳۹۱ پسر) می باشد که با روش نمونه گیری تصادفی خوشای چند مرحله ای انتخاب شدند و با تکمیل پرسشنامه سبک دلستگی بزرگسالان هازان و شیور، خودپنداره راجرز و احساس تنها در UCLA در این پژوهش شرکت کردند.

یافته ها: برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک دلستگی و احساس رابطه معنادار وجود دارد. بین سبک دلستگی و خودپنداره رابطه معنادار وجود ندارد. بین خودپنداره و احساس تنها رابطه معکوس معنادار وجود دارد. سبک دلستگی نسبت به خودپنداره پیش بینی کننده قوی تری برای احساس تنها داشت.

کلید واژه ها: سبک دلستگی، خودپنداره، احساس تنها.

[دریافت مقاله: پذیرش مقاله:]

شناختی سازگارانه را در مراحل بعدی رشد فراهم می‌کند. به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی سبک‌های دلبستگی نوزادی، هازان و شیور^۴ (۱۹۸۷) سبک‌های دلبستگی بزرگسالان را در سه طبقه ارائه دادند: ۱) دلبستگی ایمن، ۲) دلبستگی مضطرب- دوسوگراو^۵ ۳) دلبستگی اجتنابی. بالبی (۱۹۷۷ و ۱۹۸۸) عقیده داشت چنانچه مراقبت از کودک با حساسیت همراه نباشد، دلبستگی نایمن در کودک شکل می‌گیرد و الگوهای عملی درونی او از دیگران به عنوان افرادی دست نایافتنی و اعتماد ناپذیر خواهد بود. چنین کودکی خود را شایسته دریافت مراقبت همراه با حساسیت در نظر نمی‌گیرد. اگر این ادراک ناسالم مانع از شکل‌گیری روابط میان فردی حمایت‌کننده شود کودک را در معرض خطر برخی مشکلات عاطفی- اجتماعی قرار می‌دهد، که در کودکان تنها تجربه می‌شود.

خودپنداره^۶ از مفاهیم اساسی در روان‌شناسی مدرسه است. براساس نظریه خودپنداره که از جمله نظریات مرتبط با خود ارزشیابی است، خودپنداره شبکه‌ای از عقاید و باورهای مثبت و منفی درمورد خود، پذیرش یا رد خود می‌باشد. در پژوهش‌های مختلفی که پیرامون خودپنداره انجام گرفته است، این مفهوم را با اصطلاحات متفاوتی تعریف کرده‌اند و برخی نیز آن را متادف با عزت نفس و خودتنظیمی دانسته‌اند (احود و برواینسما، ۲۰۰۶). آموزش و پرورش انسان گرایانه، خودپنداره را جزء جدایی ناپذیر از یادگیری و رشد دانش‌آموز می‌داند و مدعی است که میان خودپنداره مثبت با یادگیری و عملکرد تحصیلی ارتباط وجود دارد؛ کار معلم را فراهم ساختن زمینه مناسب برای دستیابی به خودپنداره مثبت و عملکرد مناسب برای

مقدمه

مهتمرين وظيفه آموزش و پرورش ایجاد زمينه سازی برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسانهای سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است. از آنجایی که دانش‌آموزان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور نقش ویژه‌ای دارند؛ توجه به این قشر از جامعه، باروری و شکوفایی هرچه بیشتر نظام آموزشی و تربیتی جامعه را موجب می‌گردد (میلر^۱، ۱۹۸۲؛ ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۹۲).

نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که در آن تغییرات بسیاری در فرایندهای زیست شناختی، روانی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد و تمایل برای برقراری رابطه صمیمانه و خود افسایی افزایش می‌یابد (شهر آرای، ۱۳۹۴). همچنین احساس ناپیوستگی باعث بروز تنهایی و در برخی همراه با مشکلات شدید سازگاری می‌شود (لرنر و اسپانیرف، ۱۹۸۰؛ گلفاند و تی هنود، ۱۹۹۰؛ سولانا، ۱۹۹۴؛ کالپ و کلیمن^۲، ۱۹۹۵؛ به نقل از آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۴).

بالبی^۳ (۱۹۷۳-۱۹۸۰) در نظریه‌ی دلبستگی بر این نکته تاکید داشت که ارتباطات اولیه‌ی دوران کودکی، سبک دلبستگی فرد را شکل می‌دهد و بر دیدگاه فرد درباره‌ی خود، دیگران و روش سازماندهی ارتباطات میان فردی تاثیر می‌گذارد. بر طبق این نظریه، تاثیر کیفیت دلبستگی در تمام فرخنای عمر تداوم دارد و تبیین کننده تفاوت‌های فردی در زمینه روشهای مقابله با آزرجگی‌های درونی و تنظیم روابط میان فردی است. بسیاری از روانشناسان تحولی عقیده دارند احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره‌ی اولیه‌ی دلبستگی است، زمینه‌ی کنش روان

4. Hazan& shaver

5. Self-concept

6. Ahmed & Bruinsma

1. Miler

2. Lerner spanier, Gelfand, Teti Henwood, Solano, Kalp & Kelimen

3. Bowlby

احساس خلا، کمی جاذبه، خودداری از ارتباطات اجتماعی، دوستان اندک، بدینی، ناتوانی در ابراز خود، دیگر گریزی، و درونگرایی اشاره نمود. فرانزوی و دیویس^۵ (۱۹۸۵)، ارتباط منفی معنی‌داری بین احساس تنهایی و ادراک گرمی از پدرانشان را گزارش دادند. لمپرز^۶ و همکاران (۱۹۸۹) نشان دادند که شرایط سخت اقتصادی باعث بالا رفتن میزان افسردگی و احساس تنهایی در نوجوانانی می‌شوند که سبک فرزندپروری والدین خود را طرد کننده و ناهمسان ادراک کرده‌اند.

هچت و بادم^۷ (۱۹۸۴) دریافتند، مدت زمانی که فرد در تنهایی به سر می‌برد، تعیین‌کننده اساس میزان احساس تنهایی در او نیست، بلکه تهدید جدایی و کیفیت دلستگی که در افراد نایمن تجربه می‌شود، در احساس تنهایی نقش مهمی دارد. به عبارت دیگر در احساس تنهایی، احساس ذهنی شخص از کیفیت دلستگی عاطفی صمیمی با چهره دلستگی تاثیر بسیار بیشتری از حضور نداشتن دیگران دارد. بنابراین افراد مضطرب-دوسوگرا برخلاف افراد اجتنابی برای تامین حس خود ارزشمندی به دیگران بسیار وابسته‌اند و به این دلیل انتظار می‌رود در مقایسه با افراد اجتنابی احساس تنهایی بیشتری را تجربه کنند. اگرچه در نظریه بالبی دلستگی و احساس تنهایی مرتبط به یکدیگر در نظر گرفته نشده‌اند، برخی از پژوهشگران معتقد‌ند نظریه دلستگی می‌تواند برای بررسی شکل‌گیری احساس تنهایی در دوران کودکی چهارچوبی فراهم کند (برلین^۸ و همکاران، ۱۹۹۵).

پژوهش‌های برلین و همکاران در سال ۱۹۹۵ نشان داد که احساس تنهایی در کودکان نایمن اجتنابی پایین

دانشآموزان می‌داند (میلر، ۱۹۸۲؛ ترجمه-مهر محمدی، ۱۳۹۲). خودپنداره تحت تاثیر عوامل متعددی متحول می‌شود. بازخورد دیگران به ویژه والدین، تعامل‌های اجتماعی، ارتباط کودک و محیط از جمله عواملی است که خودپنداره را تحت تاثیر قرار می‌دهد (پورحسین و همکاران، ۱۳۸۱).

احساس تنهایی را می‌توان نارسایی و ضعف محسوس در روابط بین فردی دانست که به تجربه نارضایتی از روابط اجتماعی منجر می‌شود (پونزتی و هومهیر^۱، ۱۹۹۹). آشرو پاکت^۲ (۲۰۰۳) تنهایی را آگاهی شناختی فرد از ضعف در روابط فردی و اجتماعی خود توصیف می‌کنند که به احساس غمگینی، پوچی یا تاسف و حسرت متهی می‌شوند. در واقع احساس تنهایی، عدم توانایی در برقراری و حفظ روابط رضایت بخش با دیگران می‌باشد که احتمالاً باعث تجربه حس محرومیت می‌گردد (هنریچ و گلون، ۲۰۰۶). احساس تنهایی افراد را درگیر با احساس خلا، غمگینی و بی‌تعلقی مواجه می‌کند و به شیوه‌های مختلف بر تعاملات اجتماعی با دیگران، نحوه زندگی و سلامت جسمانی و روانی تاثیر می‌گذارد (هنریچ و گلون، ۲۰۰۶). به نظر الهاگین^۴ (۲۰۰۴) مبنای احساس تنهایی، فاصله و شکاف بین آرمانهای فرد (آنچه می‌خواهد) و دستاوردهای او (آنچه به دست آورده است) در روابط و صمیمیت‌های بین فردی است. هر چه این فاصله بیشتر باشد احساس تنهایی بیشتر است. بررسی‌های موجود نشان داده‌اند که افراد دارای احساس تنهایی دارای خصوصیاتی می‌باشند که از آن جمله می‌توان به رضایت و شادکامی اندک، عزت نفس پایین، از خودبیگانگی، احساس خجالت، دلتگی،

5. Franzoi & Davis

6. Lempers

7. Hecht & Baum

8. Berlin

1. parkhurst& Homeyer

2. Asher & paquette

3. Henrich & Gallone

4. Elhageen

خلاف دلستگی ایمن فرزند می‌توانند خودپنده فرزند را پیش‌بینی کنند.

ورچورن^۲ و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که خودپنده کلی با کیفیت دلستگی به مادر مرتبط است و همچنین نقش غیرمستقیم کیفیت دلستگی اولیه مادر- فرزند بر خودپنده تحصیلی توسط تاثیر آن بر ارتباطات فرزند بزرگسال در مدارس آشکار شد.

در این پژوهش نیز با توجه به اهمیت سبکهای دلستگی علاوه بر توجه به انواع سبکهای دلستگی، خودپنده نیز مد نظر قرار گرفته است و به بررسی رابطه سبکهای دلستگی، خودپنده و احساس تنها می‌پرداخته می‌شود.

روش بررسی

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری این پژوهش دانشآموزان مقطع دبیرستان بخش بندهای شرقی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بودند. نمونه مورد بررسی بر اساس جدول کرسجی و مورگان (به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۹۲) ۲۷۸ دانشآموز (۱۳۹- پسر- ۱۳۹ دختر) بودند که به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی خوشای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنیهای پرسشنامه دلستگی بزرگسالان هازان و شیور، مقیاس تنهای UCLA و آزمون خود پنده راجرز و درباره دانشآموزان اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌ها و روشهای آماری از جمله ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS^{۱۹} تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

الف) پرسشنامه دلستگی بزرگسالان:

و در کودکان ایمن متوسط است، اما نتایج تحقیقات دیگر حاکی از آن است که خود- آشکارسازی در بزرگسالان ایمن بیشتر از بزرگسالان اجتنابی است (میکولیسر ناچشون، ۱۹۹۱). از آنجایی که فقدان خود- آشکارسازی با احساس تنها می‌همبستگی دارد (استوکس، ۱۹۸۷)؛ پس انتظار می‌رود احساس تنها در افراد ایمن کمتر از افراد نایمن گزارش شود. نتایج پژوهش میکولیسر و ناچشون (۱۹۹۱) نشان داد افراد دلسته ایمن به دلیل روابط رضایت بخشی که با دیگران دارند احساس تنها می‌دانند پایین است، این افراد با خود آشکارسازی به دیگران پاسخ می‌دهند و به طور متقابل خود- آشکارسازی بیشتری از دیگران دریافت می‌کنند. نتایج مطالعه شاهینی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که وجود حمایت اجتماعی مناسب سبب کاهش میزان احساس تنها می‌افزایش رضایت از زندگی می‌شود و یکی از پیش‌بینی کننده‌های سلامت است، باید تمهیداتی برای افزایش دریافت حمایت اجتماعی از سوی خانواده و دوستان فراهم گردد. همچنین لازم است که با توانمندسازی دانشجویان در کسب مهارت‌های ارتباط اجتماعی مناسب، به ارتقای سلامت روان آنها کمک کرد.

به هر حال پژوهش‌های انجام گرفته مربوط به احساس تنها در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد.

نتایج مطالعه صفائی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که همبستگی مثبتی میان خودپنده مادر و فرزند و همبستگی منفی میان سبک‌های دلستگی نایمن و خودپنده فرزند وجود دارد. در حالی که رابطه معناداری میان خودپنده مادر و سبک دلستگی و خودپنده فرزند دیده شد. نتایج نشان داد که خودپنده مادر و سبک‌های نایمن دلستگی فرزند بر

الف و ب است. برای بررسی روایی پرسشنامه خودپنداوه راجرز (۱۹۶۱) نیز از پرسشنامه خودپنداوه (بک، ۱۹۷۹، به نقل از حسن پور، ۱۳۸۳) استفاده شده است. پایایی پرسشنامه نیز در این تحقیق با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۵ محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: بین سبک دلستگی و احساس تنهایی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱ ضریب همبستگی بین سبک دلستگی، خودپنداوه و احساس تنهایی

			متغیرها
			سبک دلستگی
۰/۰۱۴*	۰/۰۳۸	۱	سبک دلستگی
-۰/۲۸۳*	۱	۰/۰۳۸	خودپنداوه
۱	-۰/۲۸۳*	۰/۰۱۴*	احساس تنهایی

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین احساس تنهایی با مؤلفه دلستگی برابر ۰/۱۴۷ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت بین احساس تنهایی با مؤلفه سبک دلستگی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سبک دلستگی و خودپنداوه رابطه معناداری وجود دارد.

نسخه جدید پرسشنامه دلستگی هازان و شیور در سال ۱۹۹۳ تدوین شده است. این پرسشنامه دلستگی-های ایمن و نایمن را می‌سنجد. این پرسشنامه شامل دو بخشی است که در بخش اول (AAQ1) آزمودنی به سه پاراگراف که به شکل جمله‌های توصیفی طرح شد در یک مقیاس هفت درجه‌ای پاسخ می‌دهد. در بخش دوم (AAQ2) مجدداً همان توصیف‌ها طرح شده، ولی این بار آزمودنی تنها با علامت زدن یکی از آنها، تشابه خود را با یکی از آن توصیف‌ها بیان می‌کند. ضریب پایایی همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ و ضریب پایایی باز آزمایی این پرسشنامه به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۲ گزارش شده است. در پژوهش بشارت (۱۳۷۹) برای ارزیابی پایایی پرسشنامه دلستگی بزرگسال از روش بازآزمایی استفاده شده است که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون $R=0/92$ بدست آمده است.

ب) مقیاس تنهایی: UCLA

جهت سنجش تنهایی از مقیاس تنهایی UCLA (راسل، ۱۹۸۰) استفاده شده که شناخته شده‌ترین مقیاس تنهایی است و نسبت به سایر مقیاس‌ها سلامت روان سنجی بیشتری دارد. این مقیاس دارای بیست سوال که بر اساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای تنظیم شده است. این مقیاس در چهار گروه دانشجویان، پرستاران، معلمان و افراد مسن اجرا شده است. دامنه آلفا از ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ بوده است (راسل، ۱۹۸۰). در تحقیق حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه شده و $Q=0/79$ بدست آمده است.

ج) پرسشنامه خود پنداوه راجرز SCQ2

جهت سنجش خودپنداوه از پرسشنامه خودپنداوه راجرز استفاده شده است. این پرسشنامه شامل دو فرم

1. Russell
2. Rajerz

همانگونه که در جدول ۱، مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی با مولفه خودپنداره برابر ۰/۰۳۸ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. ولی با توجه به علامت منفی ضریب همبستگی، می‌توان نتیجه گرفت بین خود پنداره با احساس تنها می رابطه معکوس معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: سهم هر یک از سبک دلبستگی و خودپنداره در پیش‌بینی احساس تنها می متفاوت است.

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی با مولفه خودپنداره برابر ۰/۰۳۸ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نمی‌باشد. با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت همبستگی بین سبک دلبستگی با مولفه خودپنداره رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین خودپنداره و احساس تنها می رابطه معناداری وجود دارد

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیونی تبیین کننده احساس تنها می مربوط با معیارهای دلبستگی و خود پنداره

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین	آزمون F	سطح معنی داری
Enter		0/022	0/014	3/029	0/05

جدول ۳: ضرایب تاثیر مدل رگرسیونی تبیین کننده احساس تنها می مربوط با معیارهای دلبستگی و خود پنداره

متغیرها	ضریب تاثیر غیر استاندارد (Beta)	ضریب تاثیر استاندارد (B)	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	2/044		8/50	۰/۰۰۱.
دلبستگی	0/111		2/46	0/015
خود پنداره	-0/002		-0/002	0/965

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنها می دانش آموزان متوسطه دوم بخش بندپی شرقی شهرستان بابل بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی و احساس تنها می رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. این یافته‌ها در راستای تایید تحقیقات پیشین ویس^۱ (۱۹۷۴)، شاورز^۲ و هازان (۱۹۸۹)، هاجراتی^۳ و همکاران (۱۹۹۶) به نقل از قادری، (۱۳۸۹)، هچت و باوم

جدول (۵) یک تحلیل رگرسیونی چند متغیره مشتمل بر مولفه‌های دلبستگی و خودپنداره می‌باشد. بر اساس یافته‌های جدول، متغیرهای مستقلی که در معادله باقی مانده است به طور همزمان ۰/۱۴۷ با متغیر وابسته همبستگی دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که این متغیرها می‌توانند حدود ۰/۰۲۰ درصد از تغییرات احساس تنها می را تبیین نمایند. همچنین ضریب بتا نشان می‌دهد که متغیر دلبستگی نسبت به متغیر خود پنداره پیش‌بینی کننده قوی تری است (B=۰/۱۴۷).

1. Weiss,R.S
2. Shaver,P
3. Hagerty,B.M

(پورکی^۴؛ ترجمه میر کمالی، ۱۳۷۸) بنابراین هرچه افراد خودپنداوه قویتری داشته باشند احساس تنهایی در آنها کمتر خواهد بود. بالبی (۱۹۸۰) باور دارد که نوع دلستگی یا تعامل عاطفی با محیط اطراف و نداشتن احساس تنهایی اثر زیادی روی شکل‌گیری شخصیت و خلق و خود دارد.

در تحلیل رگرسیونی چند متغیر مشخص شد که متغیر دلستگی نسبت به متغیر خودپنداوه پیش‌بینی - کننده قوی‌تری برای احساس تنهایی است. این یافته‌ها فرضیه‌های قبلی را که نشان دادند بین سبک دلستگی و احساس تنهایی رابطه مثبت و بین خودپنداوه و احساس تنهایی رابطه منفی وجود دارد تایید می‌کند و با تحقیقات هچت و باوم (۱۹۸۴) میکولینسر و ناچشون (۱۹۹۱) همسو است.

بعد روانی انسان نقش مهم در رشد و ارتقای او دارد. بنابراین، اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش باید در راستای رشد احساس ارزشمندی و مهم بودن دانش‌آموز شکل بگیرد. احساس کرامت و ارزشمندی منجر به دوری از بسیاری اشتباهات و تعلل ورزی‌ها می‌شود. کودکی که احساس ارزش درونی و کرامت نفس می‌کند، می‌کوشد تا همواره عزت نفس خود را حفظ کند و خود را در شرایطی قرار ندهد که به کرامت نفس او خدشه وارد گردد. بنابراین، چنین فردی احتمالاً در مدرسه نیز برای انجام دادن بهتر تکالیف، نهایت سعی خود را خواهد کرد.

لحاظ نکردن متغیرهایی مانند هوش و وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مشخص نکردن نوع سبک دلستگی دانش‌آموزان از محدودیتهای پژوهش حاضر است. افزون بر این برنامه‌ریزان درسی به عناصر مربوط به رشد خودپنداوه دانش‌آموزان در محتوا توجه کافی داشته باشند و دوره‌های بازآموزی معلمان با رویکرد

(۱۹۸۴)، میکولینسر و ناچشون (۱۹۹۱)، برلین و همکاران (۱۹۹۵)، استوکس (۱۹۸۷) می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد در واقع هر چه سبک دلستگی در افراد از نوع مضطرب- دوسوگرا باشد احساس تنهایی در این افراد بیشتر است. مدل‌های عملی درونی افراد مضطرب- دوسوگرا (مجذوب) از خود منفی و از دیگران مثبت است و برای حفظ خود از رشمندی بسیار به تایید دیگران وابسته هستند که همین امر می‌تواند با احساس تنهایی بیشتر در آنها همراه باشد.

بین سبک دلستگی و خودپنداوه رابطه معنی‌دار وجود ندارد. اگرچه این یافته‌ها با تحقیقات پیشین (گودوین؛ میر؛ تامسون؛ هیس^۱، ۲۰۰۸) و (نیشیکاوا؛ هاگلوف؛ سانجام^۲، ۲۰۱۰) همسو نیست اما دره گیرائی (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین سبک دلستگی مضطرب- دوسوگرا با خودپنداوه هیچگونه رابطه معناداری وجود ندارد. در واقع این پژوهش مشخص می‌کند که نوع سبک دلستگی بر خودپنداوه تاثیری ندارد. صفائی و همکاران (۱۳۹۰) نیز گزارش دادند که محیط حمایتی اولیه و شیوه نگهداری به نوبه خود روابط دلستگی را شکل می‌دهد و از طریق شکل دادن به دلستگی به طور غیرمستقیم خودپنداوه یکپارچه و پایدار را ایجاد می‌کند.

بین خودپنداوه و احساس تنهایی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات هانگ^۳ (۲۰۱۱) همسو است. خود یک ساختار روانی است که به دلیل تجربه‌های درونی و بیرونی در یک نظام پویا شکل می‌گیرد و به تدریج پیچیده‌تر می‌شود. همچنین یک محصول اجتماعی به شمار می‌رود که در اثر تعامل و برخورد با دیگران به دست می‌آید

1.bGoodvin & Thompson & Hayes
2. Nishikawa & Hagglof & Sundbom
3. Huang

4. Purkey

بتوانیم مشکل اهمال کاری تحصیلی را در دانش- آموزانمان کاهش دهیم.

References

- Aghamohammadian, H, R., & Hoseini, M .(2005). *psychological puberty and adolescence*. Mashhad, Ferdowsi university press.
- Ahmed, W., & Bruinsma, M. (2006). A structural model of self-concept, autonomous motivation and academic performance in cross cultural perspective. *Electronic journal of research in educational psychology*. vol.4,no.10,p: 551-576.
- Asher, S, R., & Ppayette, J. A. (2003). Loneliness and peer relation in childhood. *Current directions in psychological science*, 12(3). 75-78.
- Berin, L. J., & Cassidy, J ., & Belsky, J. (1995). loneliness in young children and infant-mother attachment: A Longitudinal study, *Merill-palmer Quarterly*,41,91-103.
- Besharat, M. (2000). *Standardization of adult attachment scale (research report)*. Tehran University.
- Beswick, G. , & Rothblum, E. (1998). psychological antecedents of student procrastination. *Australian psychologist* .23, 207-217
- Bowlby J, (1980). *Attachment and Loss*: vol 3 loss , sadness , and depression , New York , Basic Books.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base: clinical applications of attachment theory*, London, Routledge.
- Bowlby,J,(1977).The making and breaking of affection books, *British journal of psychiatry*.130,201-210
- Bowlby.J. (1973). *Attachment and Loss*. vol.2 separation. New York, Basic Books.
- Crowell, J. A, Fraley, R. C & Shaver, P. R. (1999) .*measurement of individual differences in adolescent and adult attachment*. In, J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds). *Handbook of attachment*: theory, research and clinical applications. Reoly, research and clinical applications, (p.p.434-465) New York, Guilford.
- Delavar, A.,& Azad,H. Anishi, H., & Shamlo, G, R., & Shamlo, S. (2006). Relationship between depression document, anxiety and loneliness in student. Tehran`s Islamic university in academic year 82-83. *Psychological and educational science (knowledge and research in psychology*. no21&22.
- Elhageen A. A. M. (2004). Effect of interaction between parental treatment styles and peer relations in classroom on the feelings of loneliness among deaf children in Egyptian schools (dissertation). Germany: Tübingen
- Ferrari, J, R. (2007) .Procrastination as self- !regulation failure of performance: Effects of cognitive load , self- awareness, and time limits and working best under pressure. *European journal of personality*, 15 (5),391-406.
- Gelfand ,D. M ., & Teti ,D .M. (1990) .The effects maternal depression on children. *Clinical psychology Review*. 10.329-353.
- Ghaderi, S. (2010). *Relationship between attachment style and social skills and loneliness among students*. Master`s thesis at university of Al-Zahrah.
- Goodvin, R.,& Meyer, S., & Thompson, R. A., & Hayes, R. (2008). Self-understanding in early childhood : association. With child attachment security and maternal negative effect. *Attachment & Human Development*,10,433-450.
- Hasanpor, G. (2004). Comparison of self-esteem and self-concept of boys athlete, secondary school in Ahwaz and its relation academic achievement, *scientific journal*. no 18 10-19.

رشد خودپنداره ارائه کنند و همچنین به خانواده‌ها نیز در این زمینه آموزش‌های لازم داده شود تا در نهایت

- Hasanzadeh, R. (2013). *Psychological research in science mystical. (practical guide to research)*. Tehran, Savalan publication.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Conceptualizing romantic love and attachment process ,Journal of personality and social psychology.52,511,524
- Hecht, D .T & Baum ,S, K. (1984). Loneliness and attachment patterns in young adults, Journal of clinical psychology,40,193-197
- Heinrich, L. M., & Gullonca. E. (2006). The effects of maternal depression children: clinical psychology Review .10.329-335.
- Huang ,C. (2011). self-concept and academic achievement: A meta-analysis of longitudinal relations ,Journal of school psychology,49(5),505-528.
- Miler , G. P .(1982). Curriculum theory. Theory of lesson planning, translator mehr. mohammadi(1394), Samt press.
- Nishikawa, S. Hagglof. B., & Sundbom. E. (2010). Contributions of attachment and self-concept on internalizing and wxternalizing problems among Japanese adolescence.Child famstud,19,334-342.
- Perki,Viliamdebllo.(1970). Self-concept and academic achievement. Translator Mohammad Mirkamali, M. A. (1378). Tehran. Yastoron press.
- Porhosein, R., & Dadsetan, P., & Ejei, J., & Kiananesh , A. R. (2002). Development of self-study in children 6 to 12 years and its relationship with social class and gender. *Journal of psychology* sixth year. number3 ,P 211-226.
- Purkhurst, J. T & Hopmeyer, A. (1999). Developmental change in the source of loneliness in childhood: constructing a theoretical model in: k. j. Rotenberg & S. Hymel (Eds), *Loneliness in childhood and adolescence* (pp 56-76).New York: Cambridge university press
- Rusell, D.,& Peplau L.A., & Curtona C.E. (1980). "The revised UCLA loneliness scale: concurrent and discriminant validity.
- Schouwenburg, H. (2005). *On counseling the procrastinators in academic setting*. Proceedings of the fedora psyches conference:Jun8-11,Groning, Netherlands.
- Song ,I. S., & Hattie ,J. (1984). Home environment, self-concept, and academic achievement: A causal modeling approach. *Journal of Educational psychology*, 76,1269-1281.
- Steel, P. D. G. (2002). The measurement and nature of procrastination. Dissertation Abstracts International: section B: The sciences and engineering,63 (3-B),1599.
- Stokes. J. P. (1987). The relation of loneliness and self-disuse. In V. J. Derlega & J. H. Berg (Eds) , *self-disclosure* (pp. 175-202) New York, plenum press.
- Van. W. L. (2004). The relationship between procrastination and stress in the life of the high school of human resource management. The University of Pretoria.
- Verschueren, K., Doumen, S. & Buyse, E. (2011). Relationships with mothers, teachers, and peers: Unique and joint effects on young children's self concept. Paper presented at the 15th European Conference on Developmental Psychology , Bergen, Norway.